

تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: ۰

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۰ تشریحی: ۰

سری سوال: یک ۱

عنوان درس: قرائت متون تاریخی به زبان عربی ۱

رشته تحصیلی/کد درس: تاریخ (کاردانی)، تاریخ ۱۳۲۹۰۲۴

۱- الف- عَيْنَ الْأَصْحَ وَالْأَدَقَّ فِي التَّرْجُمَةِ وَالتَّعْرِيبِ وَالْمَفْهُومِ لِلسُّؤَالِ رَقْم ۱ حَتَّى ۲۲:

۱- إِنَّهُ هُمْ لَا يَبْرَحُ مِنْ قَلْبِي:

۱. آن اندوه بزرگی است که از قلبم سودی نخواهد بُرد.
۲. غم او برای همیشه نمی تواند در قلب من باشد.
۳. قلب من را نتوانست به طرف خود جلب کند.
۴. آن اندوه بزرگی است که از قلبم خارج نمی شود.

۲- «ضَفَّةٌ»:

۱. کرانه رود
۲. نقره
۳. خلیج آب شور
۴. صخره سنگی کنار دریا

۳- حَزَنَ عَلَيْهِ حُزْنًا لَمْ يُسْمَعْ بِمِثْلِهِ:

۱. آنچنان در غم او ناراحت شده بود که مانندش سابقه نداشت.
۲. در غم از دست رفتن او آنچنان ناراحت شد که چیزی را نمی شنید.
۳. بر او دچار اندوهی شد که همانندش شنیده نشده بود.
۴. غم از دست رفتن او آنچنان جانکاه است که مانندش سابقه ندارد.

۴- الشَّرُّ أَقْرَبُ الْخِلَالِ إِلَى الْإِنْسَانِ إِذَا أَهْمَلَ فِي مَرْعَى عَوَائِدِهِ.

۱. نزدیکترین همراه به انسان وقتی که به حال خود رها شود، شر و بدی است.
۲. بدی نزدیکترین صفات به انسان است اگر در چراگاه عاداتهایش رها شود.
۳. بدی نزدیکترین دوست به انسان است وقتی در چراگاه عاداتها رها شود.
۴. شر، انسان را به عاداتهای اصلی اش که در آن رها شده نزدیک می کند.

۵- إِنْ أَحْبَبُوا حَطَبُوا وَإِنْ أَرَادُوا قَطَعُوا

۱. اگر دوست داشتید خواستگاری کنید و اگر اراده کردید قطع کنید.
۲. اگر دوست داشتید خطبه بخوانید و اگر خواستید قطع کنید.
۳. اگر دوست داشتند خواستگاری کنند و اگر خواستند دست بکشند.
۴. اگر می خواستند خطبه می خواندند، اگر می خواستند قطع می کردند

تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: ۰

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۰ تشریحی: ۰

سری سوال: ۱ یک

عنوان درس: قرائت متون تاریخی به زبان عربی ۱

رشته تحصیلی/کد درس: تاریخ (کاردانی)، تاریخ ۱۳۲۹۰۲۴

۶- أَنَا فَقَأْتُ عَيْنَ الْفِتْنَةِ وَلَمْ يَكُنْ لِيَجْتَرِيَ عَلَيْهَا أَحَدٌ غَيْرِي.

۱. من همان فتنه را خواباندم و کسی جز من دل این کار را نداشت.
۲. من چشم فتنه را کندم و کسی جز من جرأت این کار را نداشت.
۳. چشم فتنه را کور کردیم و کسی جز ما جرأت این کار را نداشت.
۴. چشم فتنه بیدار است و کسی جز ما جرأت گفتن آن را ندارد.

۷- وَاعْتَلَّ مِنْ لَيْلَتِهِ وَتَوَقَّى يَوْمَ الْاِحْدِ لاثْنَتَيْ عَشْرَةَ لَيْلَةً خَلَّتْ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ:

۱. آن شب شفا یافت ولی در روز یکشنبه دوازدهم ماه ذی الحجه به دیار باقی شتافت.
۲. همان شب بیمار شد و دوازده روز از ذی الحجه مانده بود که در روز یکشنبه وفات کرد.
۳. از آن شب معلوم شد و روز یکشنبه دوازده روز مانده به ذی الحجه وفات کرد.
۴. همان شب بیمار شد و روز یکشنبه دوازدهم ذی الحجه وفات کرد.

۸- لَا يَرْفَعُ لَهُ شَيْءٌ إِلَّا هَدَاهُ:

۱. هیچ چیز جلوی او ظاهر نمی شد مگر آنکه آن را ویران می کرد.
۲. او هر چیزی را ویران نمی کرد.
۳. همه امورات به دست او هدایت می شد.
۴. او هر چیزی را رفع نمی کرد مگر اینکه آنها را هدایت کند.

۹- قَدِمَ الْخَيْلُ دُونَ الرَّجَالِ فَصَفَّ النَّاسُ صُفَيْنِ:

۱. سوارگان بدون پیادگان آمدند و مردم دو صف تشکیل دادند.
۲. سواران نجیب زاده آمدند و صفین را برای مردم شرح دادند.
۳. اسبان بدون سوار آمدند و نیز به صف مردم در صفین رسیدند.
۴. سواران بدون مردان آمدند و مردم جنگ صفین را توصیف کردند.

۱۰- فَاتَّقِ اللَّهَ، إِيَّاكَ وَشَقَّ الْعَصَا:

۱. از خدا بترس، تو را با شکستن عصا چه کار.
۲. تقوای الهی پیشه کردی، تفرقه افکنی نکن.
۳. از خدا بترس، و از تفرقه برحذر باش.
۴. از خدا بترس، مبدا که عصا را بشکنی.

تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: ۰

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۰ تشریحی: ۰

سری سوال: ۱ یک

عنوان درس: قرائت متون تاریخی به زبان عربی ۱

رشته تحصیلی/کد درس: تاریخ (کاردانی)، تاریخ ۱۳۲۹۰۲۴

۱۱- لایصطلی بناره:

۱. همتایی در مبارزه نداشت.
۲. یکه تاز میدان بود.
۳. کسی به گردش نمی رسید.
۴. بسیار دلیر بود.

۱۲- أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّهُ لَا يَمْلِكُ شَيْئاً؟

۱. آیا به تو نمی گفتم که او آه ندارد که با ناله سودا کند؟
۲. آیا به تو نگفته بودم که او آهی در بساطش ندارد؟
۳. مگر به تو نگفتم که او گدا و مفلسی بیش نیست؟
۴. آیا به تو نگفتم که او چیزی در اختیار ندارد؟

۱۳- لَا بَسَاطَ فِي الْبَيْتِ إِلَّا الرَّمْلُ وَالْحَصَى:

۱. سنگ
۲. سنگریزه
۳. ریگ
۴. دیوار

۱۴- واستنزلوا بعد عزّ عن معالهم فأودعوا حفراً، یا بئسَ ما نزلوا

۱. پناهگاه های شان
۲. منازل شان
۳. عقلای شان
۴. بلندی ها

۱۵- إني هازُّ لوائي ثلاثَ هزّاتٍ.

۱. من سه پرچم بسیار بزرگ آماده کرده ام و آنها را تکان می دهم.
۲. من هر یک از پرچمها را تکان می دهم و تشویقتان می کنم.
۳. هریک از پرچمها بیان کننده سه حالت هستند.
۴. من پرچم خود را سه بار تکان می دهم.

۱۶- إِذَا فُزْتُ فِي مَسْعَى لَمْ يَفْزَ فِيهِ غَيْرُكَ، فَلَا تَتَكَبَّرَ:

۱. اگر در سعی و کوششی که موفقیت تو در آن است موفق نشدی، تکبر موز.
۲. هرگاه در امری موفق شدی که دیگران در آن توفیقی نیافته اند، مغرور مشو.
۳. چنانچه در امری که موفقیت دیگران را تضمین نمی کند موفق نشدی متکبر مشو.
۴. اگر در امری موفق شدی، مانع موفقیت دیگران مشو که این کار نشان از تکبر شماس.

تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: ۰

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۰ تشریحی: ۰

سری سوال: ۱ یک

عنوان درس: قرائت متون تاریخی به زبان عربی ۱

رشته تحصیلی/کد درس: تاریخ (کاردانی)، تاریخ ۱۳۲۹۰۲۴

۱۷- دسّ له کسری رهطاً من العظماء

۱. کسری گروهی از بزرگان را به طور مخفیانه به نزد او فرستاد.
۲. انوشیروان خسرو پرویز در کار گروهی از بزرگان دسیسه کرد.
۳. کسری مقداری استخوان پوسیده برایش جمع کرد.
۴. خسرو گروهی از قبایل بزرگ را فراخواند.

۱۸- هیچ کسی از رعایا، ناسپاس تر از اطرافیان حاکم نیستند.

۱. لَمْ یکنْ أَحَدٌ أَقْلَ شُکْراً مِنَ الْخَوَاصِّ.
۲. لیس مِنْ أَحَدٍ بِأَقْلَ شُکْراً مِنْ أَهْلِ الْحَاکِمِ.
۳. لیس مِنَ الرّعايا عَدِیمُ الشُّکرِ أَکْثَرُ مِنَ حَوَاشِی الْحَاکِمِ.
۴. لیس أَحَدٌ مِنَ الرّعیةِ بِأَقْلَ شُکْراً مِنْ أَهْلِ الْخَاصَّةِ.

۱۹- کان فیما عَرِضَ علیه أَمْرُ الْجُنُودِ الَّتِی فِی الثَّغُورِ

۱. دشتهای
۲. مرزها
۳. نواحی مرتفع
۴. سرزمینهای همجوار

۲۰- أَدِیلَ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضِیيعِ الْجِهَادِ وَ سِیمِ الْخُسْفِ وَ مَنَعَ النِّصْفَ.

۱. حق از او روی گردان شود.
۲. از عدالت محروم گردد.
۳. خوار و زبون شود.
۴. به بلندی برسد.

۲۱- نزد بزرگان این قوم برو، و از آنان برای من بیعت بگیر:

۱. إِنِطْلُقْ إِلَى عِظَامِ هَوَلاءِ الْجَمَاعَةِ، وَاتَّخِذْ لِي بَیْعَتَهُمْ.
۲. إِذْهَبْ إِلَى أَعَاظِمِ هَوَلاءِ الْقَوْمِ، وَأَخِذْ لِي بَیْعَتَهُمْ.
۳. وَانصَرِفْ إِلَى وَجْهِ هَذَا الْقَوْمِ، وَخُذْ لِي بَیْعَتَهُمْ.
۴. إِتْجِهْ إِلَى كِبَارِ الْقَوْمِ، حَتَّى یَبَايَعُونِی.

۲۲- مادرت به عزایت بنشیند:

۱. ثَكَلَتْكَ أُمُّكَ.
۲. ثَكَلَتْ أُمُّكَ.
۳. جَلَسَتْ أُمُّكَ فِی عِزَاءِكَ.
۴. جَلَسَتْ أُمُّكَ الثَّكَلِی فِی حُزْنِكَ.

۲۳- ب: عین الصّحیح فی التّشکیل للسّؤال رقم ۲۳ حتی ۲۵:

۲۳- کان ركن الدولة المذكور أوسط الإخوة الثلاثة:

۱. ركنُ الدولة، المذكور، أوسط، الإخوة الثلاثة.
۲. ركن الدولة، المذكور، أوسط، الإخوة الثلاثة.
۳. ركنُ، الدولة، المذكور، أوسط، الثلاثة.
۴. ركنُ، الدولة، المذكور، أوسط، الثلاثة.

تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: ۰

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۶۰ تشریحی: ۰

سری سوال: ۱ یک

عنوان درس: قرائت متون تاریخی به زبان عربی ۱

رشته تحصیلی/کد درس: تاریخ (کاردانی)، تاریخ ۱۳۲۹۰۲۴

۲۴- قابلیت جَهْلِهِمْ حلماً و مغفرةً والعفو عن قدره ضرب من الكرم

۱. جَهْلِهِمْ، مَغْفِرَةٌ، العفو، مَنْ.
۲. قَابَلْتُ، حِلْمًا، ضَرْبٌ، الْكَرَمِ
۳. جَهْلِهِمْ، ضَرْبٌ، حِلْمًا، الْكَرَمِ.
۴. قَابَلْتُ، جَهْلِهِمْ، قَدْرُهُ، ضَرْبٍ.

۲۵- ها هنا مناخ ركابنا و محط رحالنا و سفك دماءنا:

۱. مَنَاحٌ، اِثْنَا، رِحَالُنَا، دِمَاءُنَا.
۲. مَنَاحٌ، رِكَابِنَا، سَفَكٌ، دِمَاءُنَا
۳. هُنَا مَنَاحٌ، رِكَابِنَا، مَحَطٌّ، سَفَكٌ
۴. مَنَاحٌ، مَحَطٌّ، رِحَالِنَا، سَفَكٌ

۲۶- عَيِّنِ الْخَطَأَ عَنْ اسْمٍ تَفْضِيلُ:

۱. أَفْضَلُ
۲. أَبْيَضُ
۳. شَرٌّ
۴. كُبْرَى

۲۷- عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي إِعْرَابِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أَشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ مِنَ السُّؤَالِ رَقْمِ ۲۷ إِلَى ۳۰:

۲۷- لَيْتَ الْمَوْتَ أَعْدَمَنِي الْحَيَاةَ.

۱. اسم لیت و مرفوعاً
۲. خبر لیت و منصوب
۳. مفعول به و منصوب
۴. مفعول به دوم و منصوب

۲۸- أَلَا وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُوْدًا، وَالرَّوَاتِعَ الْخَضِرَةَ أَرْقَّ جُلُودًا، وَالنَّبَاتَاتَ الْبَدْوِيَّةَ أَقْوَى وَقُودًا

۱. تمیز و منصوب
۲. خبر إن و منصوب
۳. حال و منصوب
۴. صفت الشجرة، الروائع و النباتات

۲۹- سِرْتُ وَ شَاطِئُ النَّهْرِ، وَالشَّمْسُ مُشْرِقَةٌ فِي كَبِدِ السَّمَاءِ

۱. مفعول فيه و منصوب
۲. مفعول به و منصوب
۳. مفعول معه و منصوب
۴. مفعول مطلق و منصوب

۳۰- رَأَى فِي طَرِيقِهِ رَجُلًا يَحْمِلُ شَيْئًا.

۱. جمله حالیه و محلاً منصوب
۲. فعل و فاعلش ضمیر مستتر هو
۳. مبتدأ مؤخر و محلاً مرفوع
۴. صفت برای رجلاً و محلاً منصوب